

مسابقه‌ی مشترک ساوه سرا و راسخون؛ ویژه‌نامه‌ی مسابقه‌ی قدر

رمضان ۱۴۳۳ مصادف با مرداد ماه ۱۳۹۱

non



Sa

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

سوره قدر مکی است و پنج آیه دارد .

ترجمه آیات

به نام خداوند رحمان و رحیم. ما این قرآن عظیم الشان را (که رحمت واسع و حکمت جامع است) در شب قدر نازل کردیم (۱).

و توجه می‌دانی شب قدر چیست؟ (۲).

شب قدر (در مقام و مرتبه) از هزار ماه بهتر و بالاتر است (۳).

در این شب فرشتگان و روح (یعنی جبرئیل) به اذن خدا از هر فرمان (و دستور الهی و سرنوشت خلق) نازل می‌شوند (۴).

این شب رحمت و سلامت و تهنیت است تا صبحگاه (۵).

بیان آیات

این سوره نزول قرآن در شب قدر را بیان می‌کند، و آن شب را تعظیم نموده از هزار ماه بالاتر می‌داند، چون در آن شب ملائکه و روح نازل می‌شوند، و این سوره، هم احتمال مکی بودن را دارد، و هم می‌تواند مدنی باشد، و روایاتی که درباره سبب نزول آن از امامان اهل بیت (علیهم السلام) و از دیگران رسیده خالی از تایید مدنی بودن آن نیست، و آن روایاتی است که دلالت دارد بر اینکه این سوره بعد از خوابی بود که رسول خدا (ص) دید، و آن خواب این بود که

دید بنی امیه بر منبر او بالا می‌روند، و سخت اندوهناک شد، و خدای تعالی برای تسلیت این سوره را نازل کرد (و در آن فرمود شب قدر بهتر از هزار ماه حکومت بنی امیه است).

انا انزلناه فی لیلة القدر

ضمیم در انزلناه به قرآن برمی‌گردد، و ظاهرش این است که: می‌خواهد بفرماید همه قرآن را در شب قدر نازل کرده، نه بعضی از آیات آن را، مؤیدش هم این است که تعبیر به انزال کرده، که ظاهر در اعتبار یکپارچگی است، نه تنزیل که ظاهر در نازل کردن تدریجی است.

و در معنای آیه مورد بحث آیه زیر است که می‌فرماید: و الكتاب المبین انا انزلناه فی لیلة مبارکة، که صریحا فرموده همه کتاب را در آن شب نازل کرده، چون ظاهرش این است که نخست سوگند به همه کتاب خورده، بعد فرموده این کتاب را که به حرمتش سوگند خوردیم، در یک شب و یکپارچه نازل کردیم.

پس مدلول آیات این می‌شود که قرآن کریم دو جور نازل شده، یکی یکپارچه در یک شب معین، و یکی هم به تدریج در طول بیست و سه سال نبوت که آیه شریفه و قرآنا فرقناه لتقراه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلا، نزول تدریجی آن را بیان می‌کند، و همچنین آیه زیر که می‌فرماید: و قال الذین کفروا لو لا نزل علیه القرآن جملة واحدة کذلک لنتبته فؤادک و رتلناه ترتیلا .

و بنا بر این، دیگر نباید به گفته بعضی اعتنا کرد که گفته‌اند: معنای آیه انزلناه این است که شروع به انزال آن کردیم، و منظور از انزال هم انزال چند آیه از قرآن است، که در آن شب یکباره نازل شد نه همه آن.

و در کلام خدای تعالی آیه‌ای که بیان کند لیله مذکور چه شیئی بوده دیده نمی‌شود بجز آیه شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن که می‌فرماید: قرآن یکپارچه در ماه رمضان نازل شده، و با انضمام آن به آیه مورد بحث معلوم می‌شود شب قدر یکی از شبهای ماه رمضان است، و اما اینکه کدامیک از شبهای آن است در قرآن چیزی که بر آن دلالت کند نیامده، تنها از اخبار استفاده می‌شود، که ان شاء الله در بحث روایتی آینده بعضی از آنها از نظر خواننده می‌گذرد.

در این سوره آن شیئی که قرآن نازل شده را شب قدر نامیده، و ظاهرا مراد از قدر تقدیر و اندازه‌گیری است، پس شب قدر شب اندازه‌گیری است، خدای تعالی در آن شب حوادث یک سال را یعنی از آن شب تا شب قدر سال آینده را تقدیر می‌کند، زندگی، مرگ، رزق، سعادت، شقاوت و چیزهایی دیگر از این قبیل را مقدر می‌سازد، آیه سوره دخان هم که در وصف شب قدر است بر این معنا دلالت دارد: فیها یفرق کل امر حکیم امرا من عندنا انا کنا مرسلین رحمة من ربک، چون فرق، به معنای جدا سازی و مشخص کردن دو چیز از یکدیگر است، و فرق هر امر حکیم جز این معنا ندارد که آن امر و آن واقعه‌ای که باید رخ دهد را با تقدیر و اندازه‌گیری مشخص سازند.

و از این استفاده می‌شود که شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و آن سالی که قرآن در آن شب نازل شد نیست، بلکه با تکرر سنوات، آن شب هم مکرر می‌شود، پس در هر ماه رمضان از هر سال قمری شب قدری هست، که در آن شب امور سال آینده تا شب قدر سال بعد اندازه‌گیری و مقدر می‌شود.

برای اینکه این فرض امکان دارد که در یکی از شبهای قدر چهارده قرن گذشته قرآن یکپارچه نازل شده باشد، ولی این فرض معنا ندارد که در آن شب حوادث تمامی قرون گذشته و آینده تعیین گردد. علاوه بر این، کلمه یفرق به خاطر اینکه فعل مضارع است استمرار را می‌رساند، در سوره مورد بحث هم که فرموده: شب قدر از هزار ماه بهتر استو نیز فرموده: ملائکه در آن شب نازل می‌شوند مؤید این معنا است.

پس وجهی برای تفسیر زیر نیست که بعضی کرده و گفته‌اند: شب قدر در تمام دهر فقط یک شب بود، و آن شبی بود که قرآن در آن نازل گردید، و دیگر تکرار نمی‌شود. و همچنین تفسیر دیگری که بعضی کرده و گفته‌اند: تا رسول خدا(ص) زنده بود شب قدر در هر سال تکرار می‌شد، و بعد از رحلت آن

جناب خدا شب قدر را هم از بین برد. و نیز سخن آن مفسر دیگر که گفته: شب قدر تنها یک شب معین در تمام سال است نه در ماه رمضان. و نیز سخن آن مفسر دیگر که گفته: شب قدر شیئی است در تمام سال، ولی در هر سال یک شب نامعلومی است، در سال بعثت در ماه رمضان بوده در سال‌های دیگر در ماه‌های دیگر، مثلاً شعبان یا ذی القعدة واقع می‌شود، هیچ یک از این اقوال درست نیست.

بعضی دیگر گفته‌اند: کلمه قدر به معنای منزلت است، و اگر شب نزول قرآن را شب قدر خوانده به خاطر اهمیاتی بوده که به مقام و منزلت آن شب داشته، و یا عنایتی که به عبادت متعبدین در آن شب داشته.

بعضی دیگر گفته‌اند: کلمه قدر به معنای ضیق و تنگی است، و شب قدر را بدان جهت قدر خوانده‌اند که زمین با نزول ملائکه تنگ می‌گردد. و این دو وجه به طوری که ملاحظه می‌کنید چنگی به دل نمی‌زند.

پس حاصل آیات مورد بحث به طوری که ملاحظه کردید این شد که شب قدر بعینه یکی از شبهای ماه مبارک رمضان از هر سال است، و در هر سال در آن شب همه امور احکام می‌شود، البته منظورمان احکامات جهت اندازه‌گیری است، خواهید گفت پس هیچ امری از آن صورت که در شب قدر تقدیر شده باشد در جای خودش با هیچ عاملی دگرگون نمی‌شود؟ در پاسخ می‌گوییم: نه، هیچ منافاتی ندارد که در شب قدر مقدر بشود ولی در ظرف تحققش طوری دیگر محقق شود، چون کیفیت موجود شدن مقدر، امری است، و دگرگونی در تقدیر، امری دیگر است، همچنان که هیچ منافاتی ندارد که حوادث در لوح محفوظ معین شده باشد، ولی مشیت الهی آن را تغییر دهد، همچنان که در قرآن کریم آمده: *يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ مَا يُعِيدُ* . علاوه بر این، استحکام امور به حسب تحققش مراتبی دارد، بعضی از امور شرایط تحققش موجود است، و بعضی‌ها ناقص است، و احتمال دارد که در شب قدر بعضی از مراتب احکام تقدیر بشود، و بعضی دیگرش به وقت دیگر موکول گردد، اما آنچه از روایات بر می‌آید و به زودی روایاتش از نظر خواننده خواهد گذشت با این وجه سازگار نیست.

و ما ادريک ما ليلة القدر

این جمله کنایه است از جلالت قدر آن شب و عظمت منزلتش، چون با اینکه ممکن بود در نوبت دوم ضمیر *ليلة القدر* را بیاورد، خود آن را تکرار کرد. واضح‌تر بگوییم، با اینکه می‌توانست بفرماید: *و ما ادريک ما هی، هی خیر من الف شهر برای بار دوم و بار سوم خود کلمه را آورد و فرمود و ما ادريک ما ليلة القدر ليلة القدر خیر من الف شهر.*

ليلة القدر خیر من الف شهر

این جمله به طور اجمال آنچه را که در جمله و ما ادريک ما ليلة القدر بدان اشاره شده بود، یعنی عظمت آن شب را بیان می‌کند، و می‌فرماید: بدین جهت گفتیم آن شب مقامی ارجمند دارد که از هزار شب بهتر است.

و منظور از بهتر بودنش از هزار شب به طوری که مفسرین تفسیر کرده‌اند بهتر بودنش از حیث فضیلت عبادت است، و مناسب با غرض قرآن هم همین معنا است، چون همه عنایت قرآن در این است که مردم را به سوی خدا نزدیک، و به وسیله عبادت زنده کند، و زنده‌داری آن شب با عبادت بهتر است از عبادت هزار شب. و ممکن است همین معنا را از آیه سوره دخان نیز استفاده کرد، چون در آنجا شب قدر را پر برکت خوانده، و فرموده: *انا انزلناه فی ليلة مبارکة* . البته در این میان معنای دیگری نیز هست، که ان شاء الله در بحث روایتی آینده خواهد آمد.

تنزل الملكة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر

کلمه تنزل در اصل تنزل بوده، و ظاهراً مراد از روح آن روحی است که از عالم امر است و خدای تعالی در بارش فرموده: *قل الروح من امر ربي*، و اذن در

هر چیز به معنای رخصت دادن در آن است، و یا به عبارت دیگر اعلام این معنا است که مانعی از این کار نیست.

و کلمه من در جمله من کل امر به گفته بعضی از مفسرین به معنای باء است.

بعضی دیگر گفته‌اند: به معنای خودش است، یعنی ابتدای غایت، ولی سببیت را هم می‌رساند، و آیه را چنین معنا می‌دهد: ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان و به سبب هر امری الهی نازل می‌شوند.

بعضی دیگر گفته‌اند: باء برای تعلیل به غایت است، و معنایش این است ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان نازل می‌شوند، برای خاطر اینکه هر امری را تدبیر کنند.

لیکن حق مطلب این است که: مراد از امر، اگر آن امر الهی باشد که آیه انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون تفسیرش کرده، حرف منبر ای ابتدا خواهد بود، و در عین حال سببیت را هم می‌رساند، و به آیه چنین معنا می‌دهد: ملائکه و روح در شب قدر بپاژن پروردگارشان نازل می‌شوند، در حالی که نزولشان را ابتدا می‌کنند و هر امر الهی را صادر می‌نمایند.

و اگر منظور از امر مذکور هر امر کونی و حادثه‌ای باشد که باید واقع گردد، در این صورت حرف من به معنای لام تعلیل خواهد بود، و آیه را چنین معنا می‌دهد: ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان نازل می‌شوند برای خاطر تدبیر امری از امور عالم.

سلام می حتی مطلع الفجر

در مفردات گفته: کلمه سلام و سلامته معنای عاری بودن از آفات ظاهری و باطنی است.

پس جمله سلام می اشاره است به اینکه عنایت الهی تعلق گرفته است به اینکه رحمتش شامل همه آن بندگان بشود که به سوی او روی می‌آورند، و نیز به اینکه در خصوص شب قدر باب نعمتش و عذابش بسته باشد، به این معنا که عذابی جدید نفرستد. و لازمه این معنا آن است که طبعاً در آن شب کید شیطان‌ها هم مؤثر واقع نشود، همچنان که در بعضی از روایات هم به این معنا اشاره رفته است.

ولی بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از کلمه سلام این است که: در آن شب ملائکه از هر مؤمن مشغول به عبادت بگذرند سلام می‌دهند. برگشت این معنا هم به همان معنای اول است و این دو آیه یعنی آیه تنزل الملائکه و الروح تا آخر سوره در معنای تفسیری است برای آیه قبلی که می‌فرمود: لیلۃ القدر خیر من الف شهر.

منبع: تفسیر المیزان جلد ۲۰ صفحه ۵۵۹

علامه سید محمد حسین طباطبائی

طرقه انلاین

معانی لغوی و محتوایی شب قدر

یکی از الطاف خداوند برای بندگان در جهت تکامل و نزدیکتر شدن به خداوند، این است که فرصت‌های زمانی و مکانی برای انسان‌ها جهت خودسازی و تکامل در نظر گرفته که یکی از بهترین آنها شب قدر است البته شب قدر در یکی از بهترین ماه‌ها که ماه رمضان است، قرار دارد و کلیت ماه رمضان هم از همان نوع است. کلمه قدر معانی زیادی دارد و در قرآن هم با آن معانی استعمال شد و شاید بهترین کلمه‌ای که معنای شب قدر باشد، بعد تقدیری و

برنامه‌ای این شب است. یعنی برنامه زندگی برای یک‌سال در مفهوم شب قدر خوابیده است. البته معانی دیگری هم دارد. محبت و رحمتی از خداوند به بندگانش می‌باشد که در اختیار بشریت است و هر کس می‌تواند، استفاده می‌کند. آنچه از روایات و سیره ائمه (ع) و رفتار بزرگان دین و دانشمندان به دست می‌آید، این است که آنها چنین انتظاری از شب قدر دارند.

سابقه زمانی شب قدر

بیشتر صاحب‌نظران شب‌قدر را مربوط به اسلام می‌دانند. یعنی هم‌زمان با طلوع اسلام چنین موهبتی هم به وجود آمد. اما منابعی هستند که می‌گویند ادیان دیگر نیز چنین شب‌هایی دارند. البته ممکن است چیزی به نام قدر در ادیان دیگر نباشد، اما خداوند چنین فرصت‌های زمانی و مکانی را به پیروان ادیان دیگر داده که برای خودسازی ویژگی دارد. روایتی از حضرت اباذر هست که از پیامبر (ص) سؤال می‌کنند و این روایت نشان می‌دهد که در گذشته هم شب قدر بوده است. این روایت در تفسیر برهان آمده که اباذر از پیامبر (ص) می‌پرسد: «این شب‌قدر مخصوص پیامبران است که با رفتن آنها این شب‌هم برداشته می‌شود؟» حضرت می‌فرماید: «نه، این شب می‌ماند.» اسفلال به کلمه انبیا است. نگفته مخصوص زمان شماست. گرچه روایات دیگری داریم که با صراحت می‌گویند: «شب قدر با این خصوصیات مخصوص اسلام است.» بنابراین باید بگوییم که در گذشته مفهوم شب قدر همراه هر دینی بوده، منتهی با این لفظ و ویژگی‌ها نبود. قدر مسلم این است که شب‌قدر در اسلام قرار داده شد و همیشه پیامبر (ص) و دیگر بزرگان آن را مورد توجه قرار می‌دادند.

منبع: عصر بیداری

فضیلت شب قدر

بدون تردید شب قدر از شب‌های با عظمت و با اهمیت سال است و دلیل فضیلت این شب بر سایر شب‌ها به اعتبار اموری است که در این شب محقق می‌گردد و گرنه اجزای زمان یا مکان، درجه و رتبه وجودی شان یکی است و بین آنها تفاوتی وجود ندارد. در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمودند: هر کس شب قدر را احیاء دارد و مومن باشد و به روز جزا اعتقاد داشته باشد نقامی گناهانش آمرزیده می‌شود. و در روایتی دیگر امام صادق (علیه السلام) فرمودند: شماره ماه‌های سال نزد خداوند، دوازده ماه است و سرآمد ماهها، ماه رمضان است و قلب ماه رمضان، شب قدر است.

علت مخفی بودن شب قدر

برخی معتقدند علت مخفی بودن شب قدر در میان شب‌های ماه مبارک رمضان این است که مردم به همه این شب‌ها اهمیت دهند همان‌گونه که خداوند رضای خود را در میان انواع طاعات پنهان کرده تا مردم بر همه طاعات روی آورند، خشمش را در میان معاصی پنهان کرده تا از همه گناهان پرهیزند، اسم اعظم را در میان اسمائش پنهان نموده تا همه را بزرگ دارند.

شب قدر

ساعت استجابت دعا را در ساعات روز جمعه، پنهان ساخته تا روز جمعه به دعا بیشتر همت گمارند ولی خدا در بین بندگان را مخفی نموده، تا به همه بندگان احترام نمایند و وقت مرگ را مخفی ساخته تا در همه حال آماده باشند و شاید یکی دیگر از فلسفه‌های مخفی بودن شب قدر این است که مردم در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان و یا لاقلاً در سه شب مشهور ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ به عبادت بیشتری رو آورند و به اصلاح احوال خود و تصفیه روح و جان خود

از آلودگی های دنیا بپردازند تا بلکه از آن شبها بیشتر مستفیض شده و به واسطه تمرین زیادتر، ملکات فاضله در آنها راسخ تر شود. لذا علت مخفی بودن شب قدر به نفع بندگان است؛ زیرا اگر این شب خجسته معین بود، برخی بر اثر توفیق احیاء آن، مبتلا به عجب و غرور می گشتند. از مجموع مطالبی که از قرآن کریم و احادیث فریقین در مورد تعیین شب قدر بدست می آید، در موارد زیر می توان خلاصه نمود:

۱- در اینکه شب قدر در ماه مبارک رمضان قرار دارد، هیچ گونه تردیدی نمی توان به خود راه داد، چون از یک سو خداوند فرموده: «قرآن در ماه رمضان نازل شده» و از سوی دیگر در سوره قدر آمده «آن (قرآن) را در «شب قدر» نازل کردیم» و اینکه «شب قدر» در ماه مبارک رمضان قرار دارد مورد اتفاق روایات و مفسرین قرآن قرار دارد.

۲- شب قدر در دهه آخر ماه مبارک رمضان قرار دارد، روایات فراوان و نظریه های مفسران شیعه و اهل سنت آن را حتمی و اجتناب ناپذیر می شمارد و در این مورد هم شک و تردیدی نمی تواند وجود داشته باشد عایشه روایت می کنند: «تلاش و کوششی را که می دیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در دهه آخر ماه مبارک رمضان انجام می داد در اوقات دیگر انجام نمی داد.»

۳- طبق روایات فراوانی که در منابع شیعی آمده، شبهای نوزدهم، بیست و یکم و شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان شب های قدر معرفی شده اما امام باقر (علیه السلام) دایره آن را محدودتر نموده و در پاسخ عبدالواحدبن مختار انصاری که خواستار تعیین یکی از آن شب ها از سوی امام (علیه السلام) بود می فرماید: «ایرادی ندارد هر دو شب را عمل عبادت و شب زنده داری انجام دهی، بالاخره شب قدر یکی از این دو شب (بیست و یکم یا بیست و سوم) می باشد.»

۴- در میان شب بیست و یکم و شب بیست و سوم - در عین حال که خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) برای اهمیت به اطاعت و عبادت بندگان و تقرب آنان، سعی در مخفی نگهداشتن شب قدر داشته اند - آن طور که از تعدادی از احادیث استفاده می شود احتمال شب قدر بودن شب بیست و سوم را می توان تقویت نمود و معتبر دانست زیرا چنانکه در روایت می خوانیم: «رسول خدا شب بیست و سوم به صورت افراد آب می پاشید تا آنها را خواب نگیرد. چنانکه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) همه اعضای خانواده را وادار می کرد روز بخوابند و شب کم غذا بخورند تا شب بیست و سوم را بیدار بمانند و می فرمود: انسان محروم کسی است که از خیر و فضیلت این شب محروم بماند.»

سیره ائمه در شب قدر

به طور خلاصه به اعمالی که ائمه اطهار در این شب عزیز انجام داده اند می پردازیم.

- ✓ غسل و شب زنده داری
- ✓ حضور در مساجد
- ✓ مراسم قرآن سر گرفتن و قرآن خواندن
- ✓ برپایی نماز جماعت
- ✓ افطاری دادن و اطعام نمودن با مال حلال
- ✓ تحصیل علوم دینی

پیوند جاودانه حضرت علی (علیه السلام) و شب قدر

به راستی! آیا می‌توان گره خوردن شب‌های احتمالی قدر _ یعنی نوزدهم، بیست و یکم، و بیست و سوم _ را با علی علیه‌السلام تصادفی دانست؟ و آیا می‌توان پذیرفت که بر اساس یک صدقه، شب نوزدهم، شب ضربت خوردن علی (علیه السلام) و شب بیست و یکم، شب شهادت آن حضرت و شب بیست و سوم، شب سوّم قتل آن امام معصوم قرار گرفته است؟

پاسخ آن، پر واضح است چرا که؛ دوست و دشمن، خوب می‌دانند علی بن ابی طالب علیه‌السلام که بود و چه کرد؟! او در تمامی خصلت‌های بشری بی‌همتا بود و سجایای اخلاقی و شیوه‌های رفتاری او در حوزه مسائل فردی و اجتماعی، درس‌آموز تاریخ بود. در عدالت‌گستری، از ستم به موری نیز دریغ می‌ورزید. در عبادت و راز و نیاز با پروردگار، هنوز نخلستان‌های شهر کوفه، طنین مناجات شبانه او را به خاطر دارد. در یتیم‌نوازی، کوچه پس‌کوچه‌های شهر کوفه، بهترین شاهد صدق گام‌های کوتاه و آرام او در نقش مردی ناشناس است. در شجاعت، هنوز دلاوری و قاطعیتش، آویزه گوش مجرمان و متجاوزان به حقوق امت است، و در فصاحت و بلاغت هنوز خطبه‌های نهج‌البلاغه‌اش بی‌بدیل و منحصر به فرد است. بی‌شک؛ حق بزرگ‌مردی همچون او را جز گره خوردن ولادت وی با خانه خدا و شهادت وی با شب قدر _ که در بزرگترین شب سال و در ارزشمندترین ماه سال قرار گرفته _ ادا نخواهد کرد. شایسته عدالت‌مردی همچون اوست که مؤمنان در فراق او در شب قدر، پا به پای گریه و ناله بر مصائب و خطاهای خویش، بگریند .

به هر تقدیر، آنچه اتفاق افتاده، تقارن هر سه شب - که احتمال قدر بودن آنها از دیگر شبهای سال بیشتر است - با مناسبت‌هایی حول محور علی بن ابیطالب، می‌باشد.

از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بشنویم که در بیانی می‌فرمایند: برتری علی بن ابی‌طالب بر این امت، همانند برتری ماه مبارک رمضان بر دیگر ماههاست. برتری علی بن ابی‌طالب بر این امت، همچون فضیلت شب قدر بر دیگر شبهای سال است. برتری علی بن ابی‌طالب بر این امت، مانند برتری شب جمعه بر سایر شبهای هفته است. پس خوشا به حال کسی که به او ایمان آورد و ولایتش را تصدیق کند، و وای بر کسی که منکر وی و حقانیت وی گردد. بر خداست که چنین کسی را از شفاعت پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز قیامت، محروم گرداند .

آری ! اگر او برترین امت است، حق اوست که در برترین شب و برترین ماه سال به شهادت نائل آید. همین پیوند، موجب گشته تا همه ساله، روزه‌داران در شبهای قدر، به یاد عدالت، شجاعت و مردانگی وی بوده و از حیات نورانی و تابناک او درس گرفته، شاید که در روش‌های فردی و منش‌های اجتماعی شان تجدیدنظر کنند.

منبع: راسخون

تالیفات امیرالمومنین

-- جمع القرآن و تاویله یا جمع آوری آیات قرآن براساس ترتیب نزول

- کتابی که آن حضرت در آن شصت نوع از انواع علوم قرآنی را جمع کرده و برای هر نوع از آنها مثالی زده است .

-- الجامعه

-- الحفر

-- صحیفه الفرائض

-- کتابی درباره زکات چارپایان

.. کتابی در ابواب فقه

.. کتابی دیگر در ابواب فقه

.. نامه آن حضرت به مالک اشتر

.. وصیت وی به محمد حنفیه

- دعاها و مناجاتی که از آن حضرت به جا مانده است و برخی از دانشمندان آنها را جمع کرده و بدان صحیفه علویه گفته اند .

- مسند آن حضرت که توسط نسایی جمع آوری شده است. این کتاب حاوی احادیث و روایاتی است که از آن حضرت نقل شده است .

- جنه الاسماء در کشف الظنون در این باره آمده است جنه الاسماء نوشته امام علی بن ابیطالب است . که امام محمد غزالی متوفا در ۵۰۵ هجری بر آن شرحی نوشته است .

کتابهایی که سخنان آن حضرت را گرد آورده اند:

.. نهج البلاغه که توسط شریف رضی جمع آوری شده و تا کنون چندین بلیو به چاپ رسیده است .

.. مافات نهج البلاغه من کلامه سخنان آن حضرت که در نهج البلاغه نیامده است جمع آوری شده توسط

فاضل معاصر شیخ هادی بن شیخ عباس بن شیخ جعفر فقیه نجفی این کتاب به چاپ رسیده است .

.. مائه کلمه جمع آوری شده توسط جاحظ مطبوع

- غرر الحکم و دررالکلم گردآوری شده توسط عبدالواحد بن محمد بن عبدالواحد آمدی تمیمی. وی این سخنان را از کلمات کوتاه آن حضرت جمع

آوری کرده و به نهج البلاغه نزدیک است. انگیزه آمدی در تالیف این کتاب کاری بود که جاحظ در تالیف مائه ال کلمه به انجام رسانده بود .

.. دستور معالم الحکم مطبوع

.. نثراللالی جمع آوری شده به وسیله ابوعلی فضل بن حسن طبرسی مولف مجمع البیان مطبوع

- مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابیطالب جمع آوری شده توسط ابواسحاق و طواط انصاری. در این کتاب صد سخن حکمت آمیز منسوب به آن

حضرت نقل شده است. این کتاب در لایپزیک و بولاق به طبع رسیده و به فارسی و آلمانی برگردانده شده است .

.. فرائد الحکم و فرائد الکلم گردآوری شده توسط قاضی ابو یوسف یعقوب بن سلیمان اسفراینی

.. معیبات علی

.. امثال الامام علی بن ابیطالب طبع جوائب که بر پایه حروف الفبا ترتیب یافته است .

.. سخنان علی علیه السلام که شیخ مفید در کتاب ارشاد خود نقل کرده است .

.. سخنان و نامه های آن حضرت که نصر بن مزاحم در کتاب صفین خود نقل کرده است .

.. سخنان علی ع که در کتاب جواهر المطالب آورده شده است و کتابهای دیگری غیر از آنچه نام بردیم.

منبع: ایرنا

شهادت و وصیت امام علی علیه السلام

علامه طبرسی گوید: علی علیه السلام شصت و سه سال زندگانی کرد، ده سال پیش از بعثت، و در سن ده سالگی اسلام آورد. و پس از بعثت بیست و سه

سال با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زندگانی کرد، سیزده سال در مکه پیش از هجرت در امتحان و گرفتاری به سر برد و سنگین‌ترین بارهای رسالت آن حضرت را به دوش کشید، و ده سال پس از هجرت در مدینه در دفاع از حضرتش با مشرکان جنگید و با جان خود او را از شر دشمنی دین نگاه داشت، تا آنکه خدای متعال پیامبر خود را به سوی بهشت انتقال داد و او را به بهشت آسمانی بالا برد و علی علیه‌السلام در آن روز سی و سه ساله بود، و بیست و چهار سال و چند ماه حق او را از ولایت غصب کردند و او را از تصرف در امور بازداشتند، و آن حضرت در این دوران با تقیه و مدارا می‌زیست، و پنج سال و چند ماه خلافت را به دست گرفت و در این سالها گرفتار جهاد با منافقان از ناکثین و قاسطین و مارقین (اصحاب جمل و صفین و نهروان) بود چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سیزده سال از روزگار نبوت خود را ممنوع از پیاده کردن احکام آن و ترسان و محبوس و فراری و مطرود بود و نمی‌توانست با کافران به جهاد پردازد و از مؤمنان دفاع کند، سپس هجرت کرد و ده سال پس از هجرت با مشرکان به جهاد پرداخت و گرفتار منافقان بود تا خداوند او را به سوی خود برد...

آن حضرت در شب بیست‌یکم ماه مبارک رمضان سال چهل هجری با شمشیر به شهادت رسید. عبدالرحمن بن ملجم مرادی شقی‌ترین امت آخر زمان - لعنة الله علیه - در مسجد کوفه او را ضربت زد؛ بدین قرار که آن حضرت در شب نوزدهم به مسجد رفت و مردم را برای نماز صبح بیدار می‌کرد و ابن ملجم ملعون از آغاز شب در کمین حضرتش بود، چون حضرت در مسجد عبورش به او افتاد او که مطلب خود را پنهان می‌داشت و از روی نیرنگ خود را به خواب زده بود ناگهان از جای جست و ضربتی با شمشیر زهر آلود بر فرق مبارکش زد. آن حضرت روز نوزدهم و شب و روز بیست و یکم را تا نزدیک ثلث اول شب زنده بود آن گاه به شهادت رسید و در حالی که محاسن شریفش به خون سرش رنگین بود مظلومانه به دیدار خدای خود شتافت. حسن و حسین علیهم السلام به امر آن حضرت مراسم غسل و تکفین او را عهده‌دار شدند و بدن شریفش را به سرزمین غری در نجف انتقال دادند و شبانه پیش از سپیده صبح در همان جا به خاک سپرده شد. حسن و حسین و محمد پسران آن حضرت علیه‌السلام و عبدالله بن جعفر رضی الله عنه وارد قبر شدند و بنا به وصیت حضرتش اثر قبر پنهان گردید. این قبر پیوسته در دولت‌بنی‌امیه پنهان بود و کسی بدان راه نمی‌برد تا آنکه امام صادق علیه‌السلام در ولت‌بنی‌عباس آن را نشان داد.

وصیت امام علی علیه السلام در بستر شهادت

هنگامی که ابن ملجم - که خدا لعنتش کند - او را ضربت زد حضرتش به حسن و حسین علیهم‌السلام چنین فرمود: «شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم و اینکه در طلب دنیا بر نیاید گرچه دنیا در طلب شما برآید، و بر آنچه از دنیا محروم ماندید اندوه و حسرت میرید و حق بگویید و برای پاداش (اخروی) کار کنید و دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید.

شما دو نفر و همه فرزندان و خانواده‌ام و هر کس را که این نامه‌ام به او می‌رسد سفارش می‌کنم به تقوای الهی و نظم کارتان و اصلاح میان خودتان، چرا که از جدتان صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «اصلاح میان دو کس از انواع نماز و روزه برتر است.»

خدا را خدا را درباره یتیمان در نظر آرید، هر روز به آنان رسیدگی کنید و حتی یک روز دهان آنان را خالی نگذارید و مبادا در حضور شما تباه شوند. خدا را خدا را درباره همسایگان در نظر دارید، که آنان سخت مورد سفارش پیامبرتان هستند، پیوسته به همسایگان سفارش می‌کرد تا آنجا که پنداشتم آنان ارث بر خواهد نمود.

خدا را خدا را درباره قرآن یاد کنید، مبادا دیگران به عمل به آن بر شما پیشی گیرند.

خدا را خدا را درباره نماز یاد کنید که آن ستون دین شماست.

خدا را خدا را درباره خانه پروردگارتان یاد کنید، تا زنده هستید آن را خالی و (خلوت) نگذارید؛ که اگر این خانه متروک بماند دیگر مهلت نخواهید یافت.

خدا را خدا را درباره جهاد در راه خدا به مال و جان و زبانان یاد آرید، و بر شما باد به همبستگی و رسیدگی به یکدیگر، و بپرهیزید از قهر و دشمنی و بریدن از هم. امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که بدانتان بر شما چیره می‌شوند آن گاه دعا می‌کنید ولی مستجاب نمی‌گردد.

ای فرزندان عبدالمطلب! مبادا شما را چنان بینم که به بهانه این‌که امیرالمؤمنین کشته شد دست به خون مسلمانان بیالایید؛ هش دارید که به قصاص خون من جز قاتلم را نباید بکشید؛ بنگرید هر گاه که من از این ضربت او جان سپردم تنها به کیفر این ضربت یک ضربت بر او بزنید و این مرد را مثله نکنید. چرا که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود: «از مثله کردن بپرهیزید گرچه با سگ هار باشد.»

از وصیت دیگر آن حضرت پیش از شهادت و پس از ضربت زدن ابن ملجم ملعون: «وصیت من به شما آن است که چیزی را با خدا شریک مسازید، و به محمد صلی الله علیه و آله و سلم سفارش می‌کنم که سنت او را ضایع مگذارید. این دو ستون را به پادارید و این دو چراغ را افروخته بدارید، و تا از جاده حق منحرف نشده‌اید هیچ نکوهشی متوجه شما نیست. من دیشب یار و همدم شما بودم و امروز مایه عبرت شما گشته‌ام و فردا از شما جدا خواهم شد. خداوند من و شما را بیمارزد. اگر زنده ماندم خودم صاحب اختیار خون خود هستم و اگر فانی شدم فنا می‌عاد گاه من است، و اگر بخشیدم بخشش مایه تقرب من به خدا و نیکویی برای شماست؛ پس شما هم ببخشید «آیا نمی‌خواهید که خدا هم شما را ببخشاید؟» به خدا سوگند هیچ حادثه‌ای ناگهانی از مرگ به من نرسید که آن را ناخوش دارم، و نه هیچ وارد شونده‌ای که ناپسندش دانم؛ و من تنها مانند جوینده آبی بودم که به آب رسیده، و طالب چیزی که بدان دست یافته است؛ «و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است»

از این که فرمود: «به خدا سوگند هیچ حادثه‌ای ناگهانی از مرگ به من نرسیده که...» معلوم می‌شود که امام علیه‌السلام پیوسته از روی شوق در انتظار شهادت به سر می‌برده و می‌دانسته است که آنچه پیامبر راستگوی امین صلی الله علیه و آله و سلم به او خبر داده ناگزیر فرا خواهد رسید چنانکه قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست و وعده او ترک و تخلف ندارد و آن حضرت با دلی پر صبر در انتظار آن بود و - بنا به نقل گروهی از دانشمندان مانند ابن عبدالبر و دیگران - می‌فرمود: «شقی‌ترین این امت از چه انتظار می‌برد که این محاسن را از خون این سر سیراب سازد؟» و بارها می‌فرمود: «به خدا سوگند که موی صورتم را از خون بالای آن سیراب خواهد کرد.»

منبع: حوزه

اللهم انى اسئلك الامان يوم لاتتفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب سليم

مولای یا مولای انا السائل الا المعطى

savehsara.aftab.cc

rasekhon.net

به ۱۳ نفر از برندگان مسابقه‌ی قدر جوایز متنوعی از سمت ساوه‌سرا و راسخون اهدا خواهد شد.



الجزء

دکور خانہ خود را با طرح های ما زیبا کنید...

www.rasekhon.net



تابستان ۱۳۹۱